

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

**رقابت و تعامل اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا در نظام بین الملل پس از جنگ
سرد با تاکید بر منطقه خاورمیانه**

استاد راهنما:

دکتر سعید وثوقی

استاد مشاور:

دکتر نوذر شفیعی

پژوهشگر:

بهاره صانعی

مهر ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه
اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل خانم بهاره صانعی
تحت عنوان

**رقابت و تعامل اتحادیه اروپا و امریکا در نظام بین الملل پس از جنگ سرد با تاکید
بر منطقه خاورمیانه**

در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر سعید وثوقی با مرتبه علمی استاد تمام امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر نوذر شفیعی با مرتبه علمی استاد تمام امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر شهروز ابراهیمی با مرتبه علمی استاد تمام امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر محمود جلالی با مرتبه علمی استاد یار امضا

امضای مدیر

گروه

اکنون که به این مرحله رسیده ام قبل از هر چیز از زحمات بی دریغ استاد راهنمای خود جناب آقای دکتر وثوقی و مشاوره های گران مایه آقای دکتر شفیعی نهایت تشکر و امتنان را دارم.

تقدیم به همه چیزم مادر

و

پدرم به خاطر همه چیز

و

همسر مهربانم

چکیده:

در حال حاضر منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از حساس ترین مناطق جهان شناخته شده و امروزه خاورمیانه به یکی از مراکز چالش عمده میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا تبدیل گشته است. به طوریکه در دوران پس از جنگ سرد بیشترین تقابل منافع اتحادیه اروپا و امریکا در این منطقه به چشم می خورد . امریکا در این دوران در تلاش است که نظمی را ترویج دهد که در پرتو آن بتواند سایه هژمونیک خود را در جهان آینده مستولی سازد. در مقابل اتحادیه اروپا قائل به پذیرش چنین نظمی نمی باشد که همین امر بیشترین تاثیر را بر منطقه خاورمیانه گذاشته است ؛ در همین راستا امنیت این منطقه از جهان با امنیت نظام بین الملل ارتباط منطقی دارد. بنابراین برتری در آینده متعلق به بازیگری است که بتواند منافع بیشتری را در خاورمیانه برای خود تعریف کند . براساس تحولات اخیر رویکرد پژوهش حاضر به مقوله منافع امریکا و اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه از رهگذر نظریه نئومحافظه کاری میسر است. با توجه به مطالب فوق اکنون این سوال مطرح می شود که با پایان جنگ سرد اقدامات و استراتژی امریکا و اتحادیه اروپا در سطح کلان نظام بین الملل و بخصوص در خاورمیانه در چه جهتی در حرکت است ؟ فرضیه ای که در این پژوهش مطرح می شود این است که ایالات متحده امریکا با اقدامات یک جانبه گرایان خود درصدد شکل دادن به نظمی در خاورمیانه است که در راستای آن بهتر بتواند به جایگاه یک قدرت هژمون در جهان نزدیک شود و حضور آن در خاورمیانه در حال حاضر نیز در راستای همین هدف است اما در مقابل اتحادیه اروپا بیشتر از نظام چند جانبه حمایت می کند و ایجاد روحیه همکاری و نگرش های چند جانبه در منطقه خاورمیانه نیز در همین اثنا بوده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا ، هژمونی ، خاورمیانه ، نظم نوین جهانی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱-۱	واژگان کلیدی..... ۱
۱-۲	۱-شرح و بیان مساله ۲
۱-۳	۱-پیشینه ۴
۱-۴	۱-اهداف ۶
۱-۵	۱-اهمیت ۶
۱-۶	۱-کاربرد نتایج تحقیق ۷
۱-۷	۱-فرضیه ها ۷
۱-۸	۱-روش تحقیق ۷
۱-۹	۱-ابزار تجزیه وتحلیل ۸
	فصل دوم: چارچوب نظری
	پیش گفتار ۱۰
۲-۱	۲-لیبرال ها ۱۲
۲-۲	۲-محافظه کاران ۱۴
۲-۳	۲-نومحافظه کاران ۱۷
۲-۴	۲-معیار های اساسی نومحافظه کاران ۲۱
۲-۵	۲-اولویت ها ۲۲
۲-۶	۲-اهداف ۲۳
۲-۵	نتیجه گیری ۲۵
	فصل سوم: استراتژی و اقدامات اتحادیه اروپا در خاورمیانه
	پیش گفتار ۲۷
۳-۱	۳-اتحادیه اروپا و خاورمیانه ۲۹
۳-۲	۳-خاورمیانه و نگرانی های اتحادیه اروپا ... ۳۰
۳-۳	۳-چالش های سیاست خاورمیانه ای اروپا ۳۳
۳-۴	۳-بررسی رفتار فرانسه ۳۵
۳-۵	۳-بررسی رفتار آلمان ۴۰
۳-۶	۳-بررسی رفتار انگلیس ۴۳
۳-۷	۳-اتحادیه اروپا به عنوان یک کل واحد ۴۴
۳-۵	نتیجه گیری ۵۳
	فصل چهارم: تطبیق استراتژی اتحادیه اروپا و امریکا در خاورمیانه
	پیش گفتار ۵۵
۴-۱	۴-منافع ملی امریکا ۵۷
۴-۲	۴-استراتژی امریکا ۵۷

صفحه	عنوان
۵۸	۴-۳ بررسی استراتژی های متفاوت امریکا
۵۸	۴-۳-۱ استراتژی دوران جنگ سرد
۶۰	۴-۳-۲ استراتژی دوران پس از جنگ سرد
۶۱	۴-۳-۳ نظم نوین جهانی
۶۴	۴-۳-۴ استراتژی امریکا پس از ۱۱ سپتامبر
۷۲	۴-۴ اقدامات امریکا در خاورمیانه
۷۸	۴-۵ اقدامات اتحادیه اروپا در خاورمیانه
۸۴	نتیجه گیری
۸۶	نتیجه گیری کلی
۸۸	فهرست منابع

فصل اول: کلیات

۱- اوژگان کلیدی:

اتحادیه اروپا^۱: اتحادیه مذکور به موجب پیمان ماستریخت مصوب فوریه ۱۹۹۲ از تکامل جامعه اروپایی به وجود آمد. هدف از این اتحادیه که هم اکنون دارای ۲۵ عضو می باشد، ابتدا همکاری اقتصادی و سیاسی بین اعضا برای تأمین وحدت اروپا بود اما با قرارداد ماستریخت جنبه دفاعی و امنیتی به آن افزوده شد (دایره المعارف بریتانیکا ۲۰۰۷).

هژمونی^۲: هژمونی مفهومی است برای توضیح نفوذ یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر، چنان که درجه ای از رضایت گروه تحت سلطه را به دست آورد. هژمون در روابط بین الملل به وجود یک قدرت بدون رقیب جهانی که هیچ منازعی در سطح جهان نداشته باشد، اطلاق می گردد (دایره المعارف بریتانیکا ۲۰۰۷).

^۱ E.U
^۲ Hegmony

نظم نوین جهانی^۱: مبارزه با کمونیسم در آغازین دهه ۱۹۹۰ به محاق تاریخ پیوست و استراتژی نوینی در قالب دکترین جورج بوش پدر در جریان جنگ دوم خلیج اعلام گردید که مبارزه با تروریسم و کشورهای حامی آنها هدف اصلی ایالات متحده قرار گرفت و دموکراتیزه نمودن خاورمیانه در قالب این دکترین قرار می گیرد.

خاورمیانه^۲: خاورمیانه منطقه ای است که سرزمین های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را شامل می شود. خاور میانه بخشی از افریقا و اوراسیا یا به طور خاص آسیا شمرده می شود و در بعضی موارد جزئی افریقای شمالی را نیز در برمی گیرد.

۲-۱ شرح و بیان مسأله پژوهشی :

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی^۳ و پایان جنگ سرد نظام بین الملل و روابط بین الملل وارد مرحله ای تازه ای گردید و با حملات ۱۱ سپتامبر روند و شکل تازه تری به خود گرفت. بعد از پایان جنگ سرد، رویای امپراتوری و هژمونی جایگاه تعیین کننده ای در نظریه سیاسی پیرامون نظام بین الملل داشته و یک جانبه گرایی از سوی نو محافظه کاران امریکایی مفهوم پردازی شد (مولایی ۱۳۸۰: ۱۰۵۵). در واقع برخی از ناظران دوران پس از جنگ سرد را دوره جهانی شدن ارزش های مطلق امریکایی دانسته اند چراکه اصول و پارامترهای مورد علاقه امریکا فراگیر شده و به اجرا در آمده است (ذاکریان ۱۳۸۶: ۷). این فرایند (جهانی شدن^۴) با سرعتی حرکت می کرد و به سمت و سویی پیش می رفت که بسیاری از ناظران آن را به امریکایی شدن جهان تعبیر کردند (قهرمان پور ۱۳۸۳: ۱۰).

امریکا پس از جنگ سرد درصدد ایجاد ساختار هرمی شکل است که در رأس آن امریکا جای دارد و دیگر قدرت ها براساس توان و ظرفیت های ویژه و چگونگی روابط شان با امریکا در قسمت های گوناگون این اهرم قدرت قرار می گیرند (مولایی ۱۳۸۰: ۱۰۵۵). به نوعی که امریکا در این دوران با یک جانبه گرایی خود به خصوص در دو دهه اخیر درصدد شکل دادن به نظمی است که در آینده جایگاه هژمونیک را نصیب خود سازد. امریکا در عرصه نظام بین الملل پس از پایان جنگ سرد به مثابه ابرقدرتی عمل می کند که می خواهد سروری سیاسی خود را بر جهان تثبیت کند و نه تنها منابع انرژی بلکه همه امکانات اقتصادی، استراتژیکی و سیاسی جهان

^۱New International Order

^۲Middle East

^۳Soviet Union

^۴Globalization

را در اختیار خود بگیرد. گرچه امریکا به خوبی می داند که دوران استعمار کهن گذشته و دوران استعمار نو نیز در حال افول می باشد پس تمام تلاش امریکا به عنوان ابرقدرت نظام بین الملل در دهه های آتی علاوه بر تصرف سرزمین به اشاعه ارزش ها و الگوهای امریکایی نیز معطوف خواهد گردید به طوریکه شاید بتوان از ژئوپولیتیک پسامدرن^۱ نیز در این دوران در راستای واقعیت بخشیدن به رویای هژمونی جهانی صحبت نمود (آرنولد^۲ ۱۹۹۴: ۱۸).

این موارد باعث بروز اختلافات میان اروپا و امریکا در صحنه جهانی شده است، اروپایی که در دهه های گذشته در مقام قدرتی تاثیر گذار بر صحنه جهانی ظاهر شده است اکنون سهم بیشتری از این تاثیر گذاری را طلب می کند به نوعی که خواهان جایگاهی برابر با امریکا می باشد (مولایی ۱۳۸۰: ۱۰۵۲). این بدان معناست که در عین هم سویی ساختارهای سیاسی شباهت های تئوریک حاکم بر عملکرد نهاد های اقتصادی و همبستر بودن ارزش های همه گیر فرهنگی در مواردی منافع ملی بازیگران، گسل های رفتاری را ایجاد می کند (دهشیر ۱۳۸۶: ۱۲۲). اما امریکا و اروپا که از بسیاری جهات درهم تنیده هستند، نشان داده اند که از این استعداد برخوردارند تا راه های جداگانه ای را برای تحقق خواست های خود تجربه کنند. (دهشیر ۱۳۸۴: ۱۸۴).

بروز شکاف میان اروپا و امریکا که پس از فروپاشی در جهان دوقطبی توجه پژوهش گران را به خود جلب کرده بود. پس از حملات ۱۱ سپتامبر و به خصوص بحران عراق بیشتر و آشکارتر شده است. در نگاه اروپاییان، این دوران زمینه حضور آنها را از طریق اقدامات جمعی فراهم می سازد، به همین خاطر است که به سمت چند جانبه گرایی در نظام بین الملل گرایش پیدا کرده اند. اما در برابر تحركات استقلال طلبانه اتحادیه اروپا، امریکا نیز در جهت جهانی سازی سیاست خارجی خود حرکت می نماید. امریکا به مانند گذشته همچنان مایل است دارای بیشترین نفوذ در قاره کهن باشد و مدیریت روابط غرب با حوزه شرق و روسیه را بر عهده بگیرد (خالوزاده ۱۳۸۵: ۱۱۲). در اصل اروپا متحد اجتناب ناپذیر امریکا به شمار می رود که بدون آن رهبری جهانی امریکا با موانع اساسی مواجه خواهد شد. امریکا با از دست دادن اروپا نه تنها بخش مهمی از قدرت جهانی خود را با افول مواجه می سازد بلکه تبدیل اروپا به رقیبی نیرومند موقعیت بلامنازع این کشور را نیز تهدید خواهد نمود (مجتهد زاده ۱۳۸۲: ۶).

^۱ Post Modern Geo- Politics
^۲ Arnold

نظم امریکایی نیز در صورت گسست پیوندهای امنیتی دو سوی آتلانتیک با بن بست مواجه خواهد شد و گرایش اروپا به سمت ایده های مستقل تر قدرت منطقه ای امریکا را به خطر خواهد انداخت (مجتهدزاده ۱۳۸۲: ۷). این مسأله بسیار طبیعی است که واحدهای سیاسی مستقل، برداشت های متفاوتی از واقعیت ها و پدیده های یکسان داشته باشند. امروزه جهان کاملا متفاوت از روزهای دوران جنگ سرد است که این موضوع خود به روشنی بیانگر این مسأله است که چرا در بعضی موارد اختلافات امریکا و متحدان اروپایی به شکلی آشکار شدید تر شده است. ماهیت تهدیدات و فرصت ها به گونه ای آشکار متحول شده و همین امر قطعا بر روابط متحدان اروپایی و امریکایی تأثیر می گذارد (دهشیار ۱۳۸۴: ۱۸۵).

حادثه ۱۱ سپتامبر برخلاف پیش بینی های خوش بینانه اروپاییان نه تنها به جهت دهی سیاست خارجی امریکا در مسیر چند جانبه گرایی نینجامید، بلکه امریکا با اتکا به حمایت بین المللی در عرصه مدیریت بحران به تداوم سیاست یک جانبه گرایی در فضای مساعد تری پرداخته و فلسفه وجودی تازه ای به آن بخشیده است (مولایی ۱۳۸۰: ۱۰۵۵). امریکا مایل است اروپا را پیرو واشنگتن دیده و از تبدیل آن به یک بازیگر رقیب جدید ممانعت به عمل آورد. تفاوت در نگاه این دو بازیگر و نیز حضور بازیگران تازه تری در عرصه نظام بین الملل پرسش تازه ای فراروی ناظران بین الملل و روابط بین الملل مطرح کرده است در آینده نظام بین الملل به چه صورت اداره و مدیریت خواهد شد؟ آیا به صورت تک قطبی یا چند قطبی مدیریت خواهد شد؟

۳-۱ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق (مطالعات و تحقیقاتی که در رابطه با این موضوع صورت گرفته و نتایج حاصل از آن):

در مورد تقابل استراتژی های اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا به طور صریح تألیفات اندکی موجود است اما در عین حال مطالبی درباره استراتژی های دو طرف موجود است که از میان آنها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

دهشیار (۱۳۸۶) در کتابی تحت عنوان «سیاست خارجی امریکا خاورمیانه و دموکراسی» چهار عنصر شکل دهنده منافع ملی امریکا را حیات و پیشینه تاریخی، وضعیت و موقعیت جغرافیایی، فرهنگ و ذهنیت ارزشی لیبرال و شرایط بین المللی عنوان می کند که این عناصر همیشگی هستند اما سیاست خارجی امریکا پویا است چرا که

شرایط جهانی دائما تغییر می کند و بر همین اساس نگارنده منافع ملی امریکا را عبارت از اشاعه سرمایه داری ، اشاعه لیبرالیسم ، اشاعه دموکراسی و ایجاد ، حفظ و در صورت لزوم تغییر نهادهای بین المللی برمی شمارد. این چهار مولفه شکل دهنده چارچوبی هستند که رهبران امریکا می بایستی در بطن آن سیاست خارجی راحیات دهند. نگارنده در این کتاب طی فصول مختلف و با استناد به مطالب فوق به ارزیابی سیاست خارجی امریکا در رابطه با حوادث ۱۱ سپتامبر می پردازد.

میرشایمر^۱ (۱۳۸۶) نیز در مقاله خود تحت عنوان « هانس جی مورگنتا^۲ و جنگ عراق : رئالیسم در مقابل نومحافظه کاری» نزع در گرفته بین دونظریه رقیب در سیاست بین الملل ، یعنی رئالیسم (تفکر حاکم بر اتحادیه اروپا) و نومحافظه کاری (تفکر حاکم بر ایالات متحده امریکا) را بیان می دارد. از نگاه نومحافظه کاری نیرومندترین ایدئولوژی سیاسی جهان دموکراسی است . اگر ایالات متحده به ساختن جهانی متشکل از دموکراسی ها پردازد صلح گسترش خواهد یافت . در مقابل رئالیست ها معتقدند که قویترین ایدئولوژی سیاسی ناسیونالیسم است.

خالوزاده (۱۳۸۵) در کتاب « اتحادیه اروپایی » به تلاش های اتحادیه اروپا در جهت تغییر نظام بین الملل اشاره داشته که اروپاییان درصدد هستند تا فرمول غول اقتصادی، کوتوله سیاسی را تغییر دهند. بنابراین پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که به مثابه سرپوشی برای اختلافات غرب و امریکا بود منازعات استراتژیک دو طرف آغاز می شود به طوریکه در دوران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر طرز تلقی اروپاییان با امریکا در مورد تهدیدات نظام بین الملل متفاوت می باشد . مبارزه با تروریسم به یکی از اولویت های مهم دو سوی آتلانتیک تبدیل شد اما نحوه عملکرد دو طرف با یکدیگر مغایر بود. اروپا و امریکا در مبارزه با تروریسم اتفاق نظر داشتند اما اختلافات آنها در تلقی اروپا از میزان تهدید آمیز بودن مسائل نهفته شده است.

دهشیار (۱۳۸۴) در کتاب « نومحافظه کاران و سیاست خارجی امریکا» از تضاد غیر قابل انکار دو سوی آتلانتیک بحث می کند و نگاه امریکا به اروپا را یک نگاه اقتصادی می داند . به همین خاطر به دنبال دگرگونی ارزشی در سال ۱۹۹۱ ایالات متحده با چالش گسترده ایی در روابط خود با هویت جدید اروپایی مواجه شد . حذف رقابت در اروپا به دنبال اضمحلال بلوک شرق پر واضح است که تضاد و تنش دو سوی آتلانتیک را افزایش خواهد داد.

^۱Mearsheimer

^۲Morgenthau Hans .J

پژوهش حاضر درصدد است که ابتدا و به صورت مختصر و کامل استراتژی های امریکا و سپس اروپا را در دوران پس از جنگ سرد بیان نماید. به اقدامات امریکادر جهت حفظ هژمونی خود و تحرکات استقلال طلبانه اتحادیه اروپا پردازد و در نهایت به تعامل اتحادیه اروپا با امریکا در عین رقابت با یکدیگر در ساختار کلان نظام بین الملل اشاره کند.

۴-۱ اهداف تحقیق :

- تبیین استراتژی امریکا پس از جنگ سرد به طورعام و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به طور خاص و تأثیرات آن بر منطقه خاور میانه.
- تبیین اقدامات امریکا برای حفظ موقعیت هژمونی خود در نظام بین الملل.
- تبیین استراتژی کلان اتحادیه اروپا و رقابت و تعامل این سازمان با ایالات متحده امریکا در ساختار کلان نظام بین الملل.

۵-۱ اهمیت و ارزش تحقیق :

اهمیت و ارزش تحقیق حاضر در این است که برخلاف تحقیقاتی که بیشتر به ذکر کلیاتی درباره استراتژی های کلان و سیاست خارجی اتحادیه اروپا و امریکا می پردازند ، تأکید بیشتری بر درگیری ها و منازعات استراتژیک دو سوی آتلانتیک خواهد داشت . نوشته ی حاضر درصدد است که اتحادیه اروپا را به دنبال سقوط دیوار برلین تنها به عنوان یک قدرت نظامی که مسئولیت رفاه اقتصادی را برعهده دارد در نظر نمی گیرد و به تأثیر اقدامات اتحادیه اروپا در جهت به چالش کشیدن هژمونی امریکا نیز می پردازد . ضمن آنکه اتحادیه اروپا درصدد رسیدن به یک همگرایی امنیتی و دفاعی است که بتواند از نقش پلیسی ایالات متحده در جهان بکاهد. در رابطه با ارزش و اهمیتی که تحقیق حاضر می تواند برای کشور ایران داشته باشد باید گفت که با توجه به اینکه ایران در منطقه استراتژیکی خاورمیانه قرار دارد ، بنابراین هر گونه منازعه و بی ثباتی در این منطقه می تواند بر امنیت ملی ایران تأثیر گذارد؛ بنابراین تحقیق حاضر با بررسی سیاست های هر دو طرف و نحوه عملیاتی نمودن آنها در جهان و منطقه خاورمیانه به طور خاص فرصت ها و تنگناهای ناشی از حضور بازیگران را در منطقه برای ایران تبیین خواهد نمود.

ارزش و اهمیت دیگر پژوهش حاضر این است که با بهره گیری و بررسی استعداد محیطی و بستر حاکم بر نظام بین الملل روند آتی نظام را تا حدی تبیین خواهد نمود که سیاست جهان در دهه های آینده به چه سمت و سویی در حرکت است و در ضمن ناکامی های امریکا را در افول نظام هژمونی تشریح می نماید.

۶-۱ کاربرد نتایج تحقیق :

تحقیق حاضر می تواند حاوی اطلاعات مفیدی برای سیاست خارجی ایران به ویژه در زمینه تصمیم گیری و سیاست گذاری در باب امنیت ملی و تهدیدات موجود در منطقه خاورمیانه باشد و نیز سیاست گذاران کشور می توانند از تأثیرات حضور امریکا در منطقه نیز بهره برند. همچنین به عنوان منبعی برای نهادها و موسساتی همچون وزرات امور خارجه در جهت سیاست گذاری در مورد نقش ایران در منطقه و موقعیت ایران در ساختار کلان نظام بین الملل می باشد . همچنین پژوهش حاضر می تواند برای دانشجویان و علاقمندان در درک روابط دو سوی آتلانتیک و نیز روند آتی نظام بین الملل منبع مناسبی باشد.

۷-۱ فرضیه ها (در صورت لزوم) یا سوال های تحقیق:

استراتژی کلان ایالات متحده پس از جنگ سرد و بخصوص در دوران پس از ۱۱ سپتامبر در جهت حفظ هژمونی بوده است.

امریکا برای حفظ موقعیت هژمونی خود در نظام بین الملل از یک جانبه گرایی استفاده کرده است .

استراتژی کلان اتحادیه اروپا در جهت همکاری و رقابت و موازنه و ایفای نقش موثرتری در ساختار نظام بین الملل بوده است.

۸-۱ روش تحقیق:

۸-۱-۱ انواع مطالعه و روش بررسی فرضیه ها و یا پاسخگویی به سوالات (توصیفی، تجربی ،

تحلیل محتوا ، اسنادی، تاریخی و ...)

در این پژوهش روش مطالعه و بررسی فرضیات و یا پاسخگویی به سوالات توصیفی - تحلیلی است.

۲-۸-۱ جامعه آماری: امریکا، اتحادیه اروپا، خاورمیانه.

۳-۸-۱ روش طرح و نمونه برداری : ندارد.

۴-۸-۱ ابزار گرد آوری داده ها : با توجه به نوع پژوهش روش گرد آوری اطلاعات از طریق داده های کتابخانه ای و مطالعه و فیش برداری از نشریات و کتب تخصصی است.

۹-۱ ابزار تجزیه و تحلیل:

در جهت تبیین موضوع پژوهش نظریه نومحافظه کاری نسبت به سایر نظریات گویای وجوه اختلاف بین اتحادیه اروپا و امریکا در رابطه با جهت گیری های آنها در محیط بین المللی می باشد. این انگاره فکری که پس از جنگ سرد به طور عام و در دوران کنونی به طور خاص بر سیاست های امریکا حاکم شده است بیشتر نقاط افتراق بین اتحادیه اروپا و امریکا را نمایان می سازد. البته به این نکته باید توجه داشت که نسل دوم نومحافظه کاران نسبت به سایر نسل ها از فرصت بیشتری برای تداوم و اشاعه اندیشه های خود برخوردارند.

اصول اساسی نظریه نومحافظه کاری که باعث بروز اختلاف بین دو سوی آتلانتیک شده است را می توان چنین بیان نمود: نظریه نومحافظه کاری به نوعی واقع گرایی مردم سالار نیز خوانده می شود. رویکرد دیگری است که واقع گرایی را دست مایه قرار داده است. این رویکرد به دلیل نفوذی که بر جورج بوش پسر، رئیس جمهور امریکا و تعدادی از مشاوران بلند پایه وی دارد، ارزش بررسی دارد. اصطلاح نومحافظه کاری معمولاً به مجموعه گسترده ایی از اصول اشاره دارد که مشخصاً حول محور روابط بین الملل یا سیاست خارجی دور نمی زنند (چرنوف ۱۳۸۸: ۱۱۲).

طرفداران این نظریه آموزه ایی را مطرح می سازند که آمیزه ایی از واقع گرایی و لیبرالیسم است. واقع گرایان مردم سالار از هریک از اینها تنها اصول مشخصی را بر می گیرند و تا آن جا پیش می روند که عناصری اخلاقی را به آنها می افزایند که مبین اصول آرمان گرایانه مختلف هستند. اینان مانند واقع گرایان بر اهمیت قدرت در نظام بین الملل تأکید می ورزند و در مورد ارزش نهادها تردید دارند. آنان تحلیل خودشان را روی دولت متمرکز می سازند که آن را متمایز از واحدهای مختلف تشکیل دهنده اش می دانند. این گروه با واقع گرایان از جهاتی